میل به فسادکردن مربوط به طبع آدمی است و نه فطرت او،

شماره پرسش: ۱۲۸۷۰

تاریخ ارسال پرسش: ۰۴:۳۴:۳۰ ۱۳۹۴/۵/۱۳

متن پرسش

سلام بر استاد بزرگوار: سوالاتی را می خواستم به عرضتان برسانم: ۱. اینکه آیا میل به فساد جزء فطرت آدمی است؟ (چنان چه دکتر سروش در کتاب حکمت و معیشت دفتر اول با استفاده از آیه و روایت و عقل و تاریخ دست به اثبات آن می زند و منافاتش را با اختیار بر طرف می کنند و فلسفه صبر نبی بر مصایب را به علت دانستن این سرشت معرفی می کنند تا به اینجا رسند که این صفات که حضرت در ابتدای نامه بیان می دارند جز سرشت آدمی است و به هستی شناسی وا دارد) ۲. اگر می شود این تاجر غرور را توضیح دهید و در کتاب خود به آن صورت توضیح نداده اید. ۳. اینکه افرادي از طريق علومي به عمر انسان خبر دهند حقيقت دارد و حتمي الوقوع است و از راه دعا نمي توان جلو آن را گرفت؟ ۴. براي سير مطالعاتي ابتدا سير خودتان را مطالعه كنيم يا شهيد مطهري؟ ۵. براي مطالعه بيش تر در نامه ۳۱ چه كتابی پيش نهاد می كنيد (لطفا اگر مي شود توضيح بيشتري در كتابتان بر مقدمه نامه ۳۱ بزنيد و حق مطلب بيان نشده) ۶. براي فلسفه چه سيری پيشنهاد می كنيد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: میل به فسادکردن مربوط به طبع آدمی است و نه فطرت او، و لذا وقتی انسان در متن طبع خود قرار داشته باشد آن مشکلات که حضرت مولا علی«علیه‌السلام» می‌فرمایند روی می‌دهد. _ پیشگویی‌ها اولاً معلوم نیست درست باشد، ثانیاً از طریق دعا و صدقه و صله‌ی رحم عمر انسان حتی اگر مقدّر هم شده باشد تغییر می‌کند _ بعد از ده نکته و آشتی با خدا، مطالعه‌ی کتاب‌های مرحوم شهید مطهری کمک زیادی به شما برای رجوع به حقیقت می‌کند. _ مباحث صوتی «یابن جندب» که شرح روایت حضرت صادق«علیه‌السلام» به یکی از اصحاب آن حضرت است، کمک‌کار خوبی است. موفق باشید